



ویسواوا شیمبورسکا

این جا

— مجموعه شعر —

ترجمہی بہمن طالبی نژاد — آنا مارچینوفسکا

شعر جہان ...

۵۷	ماوراء الطبیعه
۵۸	متن سخنرانی ویسواوا شیمپورسکا
		هنگام دریافت جایزه‌ی نوبل ادبیات
۶۴	نظر ویسواوا شیمپورسکا درباره‌ی ...

فهرست

۹	پیش‌گفتار
۱۳	مقدمه
۱۷	این‌جا
۲۱	افکاری که در خیابان شلوغ به سراغم می‌آیند
۲۳	یک فکر
۲۶	نوجوان
۲۹	زندگی سخت با خاطرات
۳۱	جهان کوچک
۳۴	روزن‌داران
۳۶	قبل از سفر
۳۸	طلاق
۴۰	آدم‌کُش‌ها (تروریست‌ها)
۴۱	مثال
۴۲	تعیین هویت
۴۴	ناخواندنی
۴۶	نگاره‌ای از خاطره
۴۹	رؤیاها
۵۲	در دلیجان
۵۵	إلا در بهشت
۵۶	ورمیر

این جا

از جاهای دیگر نمی‌توانم بگویم،
این گوشه‌ی زمین اما همه چیز هست.
این جا صندلی می‌سازیم و افسوس،

قیچی،

ویولن،

مهربانی،

ترانزیستور،

سد،

کنایه و فنجان.

شاید در جاهای دیگر چیزهای بیشتری هست.
اما به دلیلی نقاشی‌ها، لامپ تصویر، پیراشکی
و دستمالی برای اشک موجود نباشد.

این جا کنار ما، جاهای زیادی هست.
شاید یکی را پسندی،
نامی بر آن بگذاری،
و از بدی دورش بداری.

شاید جاهای دیگری شبیه آن باشد،
ولی کسی زیبایی‌شان را نمی‌بیند.
شبیه ناکجا،
یا تقریباً هیچ کجا.
این جا برای تو بدنی نصفه و نیمه گذاشته شده
مجهز به چیزهای ضروری،
تا فرزندان را به دیگران بیفزایی
علاوه بر دست و پا و سری که بُهت زده است

این جا، جهل دست به کار شده
چیزی همیشه شمارش می‌شود
حساب می‌شود
مقایسه می‌شود
و بر اساس آن نتیجه‌گیری می‌شود.
می‌دانم، می‌دانم به چه فکر می‌کنی.
هیچ چیز در این جا نمی‌پاید.
چون همه چیز از ازل تا به ابد در دست عناصر بوده است.

ولی نگاه کن، حتا عناصر خسته می‌شوند.
و برای دوباره برخاستن استراحتی طولانی می‌خواهند.

می‌دانم باز به چه فکر می‌کنی.
جنگ
جنگ
جنگ.
ولی در بین آن‌ها هم درنگی هست.

خبردار!
- مردم شیطان‌اند.
آزاد
- مردم خوب‌اند.
خبردار
نابودی ابداع می‌شود.
آزاد، خانه‌هایی با عرق جبین ساخته می‌شوند
و زندگی پُرشتاب می‌شود.
زندگی روی زمین تقریباً مفت است.
برای رویاها، مثلاً، پول سیاهی هم نمی‌پردازد.
توهم، وقتی قیمتی می‌شود که فنا شده باشد.
بدن، خود بهای خود را می‌پردازد.

اگر کافی نیست
در گردش سیارات مفت می‌چرخد
و علاوه بر آن در کولاک بین کهکشان‌ها هم.
در هنگام این سرگشتگی،
هیچ چیز روی زمین فرصت جنبیدن پیدا نمی‌کند.